



عاشورا؛ عقبه فکری انقلاب‌های جهانی

مرضیه فلاحي



اشاره:

آنچه که در محرم سال ۶۱ هجری به وقوع پیوست، آتش حرکت‌های انقلابی را که در بطن جهان اسلام به خاموشی گرانیده بود، چنان فروزان ساخت که شعله‌هایش نه تنها با قیام «مختار»ها و «عبدالله بن عقیف»های سال ۶۱ هجری فروکش نکرد که با وجود گذشت قرن‌ها، بارقه‌های الهام‌بخشش در هسته‌های فکری جنبش‌های حق‌طلب و عدالت‌خواه جهان امروز، میرهن و واضح است. نوشتار پیش رو به منظور بازخوانی «فرهنگ عاشورا» به مثابه عقبه فکری و تئوریک برترین حرکت‌های جهادی معاصر، سامان داده شده است.





«واقعۀ عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیۀ الله (عج) در هر مقطع انقلاب ساز است.»



در زمانی که نظریه پردازانی چون «دورکیم» و «ماکس وبر» بنیان تحلیل‌های خود را با «عقل‌گرایی»، «افسون‌زدایی از جهان» و «حذف عنصر قدسی» محکم می‌ساختند، کانون تئورسین‌های جهانی را به چالش کشاند. از همین رو است که به عقیده فوکوی فرانسوی و بسیاری از اندیشمندان غربی، «انقلاب اسلامی نخستین انقلاب فرامدرن عصر حاضر و یا به تعبیر دیگر او، اولین شورش بزرگ علیه نظام‌های زمینی... و مدرن‌ترین شکل قیام است.» نقش مذهب و فرقی مذهبی در باز همگرایی مردم و پیوند آن با انقلاب ایران، چنان چشمگیر بود که در برهه‌ای از زمان، ایران به «حرکت در مسیر انارشسیسم اجتماعی و فاشیسیسم مذهبی» متهم شد.

آنچه از تورق کوتاه بر ادبیات سیاسی رایج در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به دست آمده، نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌های دینی و مذهبی، «فرهنگ عاشورا و نهضت حسینی» در برهم زدن معادلات سیاسی، به سود جنبش‌های اصیل انقلابی، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. طرح شعارهایی چون «نهضت ما حسینی است، رهبر ما خمینی است» یا «خمینی تو وارث حسینی» که با قیام خونین پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تثبیت و نهادینه شد، پرده از این واقعیت برمی‌گیرد. از همین روست که انقلاب اسلامی ایران، در میان انقلاب‌های کبیر جهان، پدیده‌ای «شگفت‌آور» و «ساختار شکن» به شمار می‌آید.

انقلابی برآمده از نهضت حسینی

بررسی اوضاع سیاسی مذهبی شبه جزیره عرب، نشان می‌دهد که در آستانه قیام امام حسین (ع)، به سبب پرورش اندیشه تقدیری و جبرگرایانه توسط فقهای درباری و نیز رسوخ و پذیرش احادیث جعلی در بطن جامعه اسلامی که چون مستمسکی در دستان سران بنی‌امیه در توجیه مشروعیت سیاسی اجتماعی حکومت اموی به بازی گرفته شده بود، تفارق دین از سیاست به گونه‌ای مسموم در اندیشه‌های دینی مردم رسوب گذاری می‌کرد. سکوت و تسلیم در

«سقوط اخیر شاه ایران و به راه افتادن انقلاب ایران...، باعث تعجب ناگهانی ناظران خارجی، از دوستان آمریکایی شاه گرفته تا روزنامه‌نگاران و متخصصین علوم اجتماعی، از جمله افرادی مثل من که متخصص مسائل «انقلاب» هستم، گردید. همه ما با علاقه و شاید بهت‌زدگی، تحقق وقایع جاری را مشاهده کرده‌ایم. تعدادی از ما به سوی تفحص در مورد واقعات اجتماعی، سیاسی ایران در ورای این رخدادها سوق داده شدیم.»^۱ این سخن «تدا اسکاچپول»، نویسنده و تئوری پرداز معروف آمریکایی، به خوبی نشان می‌دهد که برای او نیز چون سایر نظریه پردازان هم‌قطارش در اردوگاه استکبار، پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در پایان هزاره دوم میلادی (۱۹۷۹ م) با نام دین و بازگشت مذهب در ساختار حکومتی و زدودن اندیشه «سکولاریسم» از کانون‌های سیاسی و مذهبی، در فضایی که گفتمان «لیبرالیستی» و «سوسیالیستی» برآمده از بطن انقلاب‌های کبیر رواج یافته بود، باور نکردنی می‌نمود.

در میان تحلیل‌گران و متفکرانی که بر اساس «نظریه‌های انقلاب» و گاه رهیافت‌های علمی و فرضیه‌های غیرعلمی خود که عمدتاً بر مبنای تحلیل‌های مارکسیستی قرار گرفته بود، به تبیین چرایی وقوع «پدیده انقلاب ایران» پرداخته بودند، نخبگان سیاسی و اندیشمندان نیز بر محوریت نقش «مذهب» در شکل‌گیری انقلاب ایران تأکید داشتند. «میشل فوکو» فیلسوف مشهور فرانسوی و صاحب‌نظر به‌یست مدرنیسم، در کتاب «ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند»، بازگشت انقلاب ایران به مذهب و «معنویت‌گرایی سیاسی» را، از عناصر اصلی این انقلاب برمی‌شمارد. گزینش اسلام به‌عنوان ایدئولوژی یک انقلاب از سوی مردم ایران، در حالی که اکثر انقلاب‌های معاصر و گروه‌های سیاسی ایدئولوژی خود را از کمونیسم، مارکسیسم و ناسیونالیسم وام گرفته و با کپی برداری از استراتژی‌های مبارزاتی فیدل، مائو، لینین و چه‌گوارا به مبارزه می‌پرداختند؛ گواها این واقعیت است که «مذهب» در فرهنگ سیاسی ایرانیان، الگوی رفتار سیاسی و مبارزاتی توده‌های مردم است. وقوع انقلاب اسلامی با ماهیت بازگشت به عنصر قدسی، درست

نقش مذهب و فرقی مذهبی در باز همگرایی مردم و پیوند آن با انقلاب ایران، چنان چشمگیر بود که در برهه‌ای از زمان، ایران به «حرکت در مسیر انارشسیسم اجتماعی و فاشیسیسم مذهبی» متهم شد.





و مقولات اسلامی به عنوان ایدئولوژی نظام الهی، گفتمان جدیدی در اندیشه سیاسی جهان به وجود آورد.

عاشورای سال ۱۳۴۲، دو ماه پس از فاجعه کشتار مدرسه فیضیه، فرصتی مناسب بود تا امام (ره) با بهره‌گیری از شور مذهبی، غیرت دینی و روح عاشورایی مردم، مدل انقلابی خود را به جهان عرضه کند: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا یک کلمه بزرگی است... همه روز باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را پیاده کنیم. انحصار به یک زمین ندارد... همه زمین‌ها باید این نقش را ایفا کنند و همه روزها.» امام خمینی (ره) با بنیان نهادن ساختار تلفیقی از قیام عاشورا و ضرورت‌های سیاسی با هدف غنا بخشیدن به مبانی فکری و ایدئولوژی جنبش‌های سیاسی اجتماعی برخاسته از دل مردمانی که با وجود پیوست دیرینه‌شان با نهضت امام حسین (ع)، سال‌ها در برابر سلطه‌رانی حکومت‌های جائز گردن خم کرده بودند، نقطه آغازین خیزش تفکر اسلامی را نوید داد: «اسلام را عرضه بدارید و در عرضه آن به مردم، نظیر عاشورا به وجود بیاورید.»^۱

بی‌شک «پدیده» شدن انقلاب ایران را باید مرهون همین مفاهیم عاشورایی دانست که در فرهنگ مبارزاتی شیعه نهادینه شده است؛ به گونه‌ای که امروزه «انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن»^۲ به جهان شناسانده می‌شود. سازش‌ناپذیری و مبارزه با ظلم و مصادیق آن، استقامت، پایداری و پشتکار در مبارزه، احیای

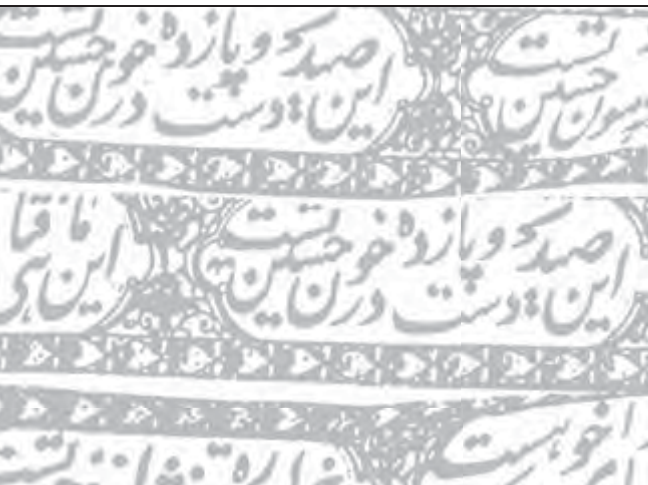
امام خمینی (ره) با بنیان نهادن ساختار تلفیقی از قیام عاشورا و ضرورت‌های سیاسی با هدف غنا بخشیدن به مبانی فکری و ایدئولوژی جنبش‌های سیاسی اجتماعی نقطه آغازین خیزش تفکر اسلامی را نوید داد

برابر سیاست‌گذاری‌های ضد مذهب حکام اموی و فرمانروایانشان در بلاد اسلامی با استناد به قدرت و مشیت الهی، از سمپات‌های چنین اعتقاد فلج‌کننده‌ای بود که به اعتراض خونین امام در نفی این اندیشه‌های تخدیرکننده انجامید.

امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار کبیر جمهوری اسلامی، در شرایطی که تبلیغات گروه‌های مارکسیستی بر افیون نشان دادن دین و تلاش نظام‌های جیره‌خوار دول استعماری شرق و غرب بر سکولاریزه کردن جوامع با عنوان لازمه ملیت‌گرایی، به حد انفجار رسیده بود، با احیای سنت مبارزاتی امام حسین (ع) و بازسازی و همانندسازی واقعه عاشورا در فرهنگ سیاسی ایران، کنش انقلابی مردم را علیه نظام سیاسی ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی برانگیخت.

ایشان بادر یافت پتانسیل انقلابی مامحرم و درک عمیق از ضرورت بازآفرینی آموزه‌های نهضت حسینی، در جامعه‌ای که مردمان آن از پیوند عمیق و ناگسستنی با حادثه عاشورابر خوردارند و نیز با اعتقاد به این امر که امام خمینی (ره): «واقعه عظیم عاشوراز ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیه‌الله (عج) در هر مقطع انقلاب‌ساز است»^۳ بادر آمیختن مفاهیم عاشورایی

احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر، شکست‌ناپذیری، تحول روحی و آموزه «جهاد و شهادت» از کارویژه‌های نهضت حسینی در جریان حرکت انقلاب اسلامی بوده است.





**تاریخ به یاد دارد این سخن گاندی را
خطاب به یارانش که «ای ملت هند!
من هیچ گونه الگو و روشی از هیچ
کس در دنیا برای شکست استعمار پیر
برنگزیدم؛ مگر از حسین شیعیه.»**

متحدین غرب رانه تنهادر منطقه بلکه در سراسر جهان دچار تزلزل کرد پس چه جای تعجب که «جرج شوستر»، وزیر خارجه وقت آمریکا، انقلاب اسلامی و ایران را خطرناکترین دشمن مشترک تمدن غرب در سراسر تاریخ آن^{۱۱} معرفی کند یا «موشه دایان» همتای اسرائیلی اش، وقوع انقلاب ایران را زلزله‌ای در منطقه بداند و به «بگین» گوش زد نماید که مسئله‌ای مهم‌تر از کمپ دیوید رخ داده است که باید به آن پرداخت.^{۱۲}

عاشورا و حرکت‌های جهادی

شکست اندیشه «ناسیونالیستی» و «سوسیالیستی» جهان عرب، هم زمان با بازتاب گسترده «گفتمان عاشورایی» انقلاب ایران به ویژه در «خاورمیانه عربی»، معادلات مادی و التقاطی خیزش‌های سیاسی را در کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل بر هم زد و با تجهیز قوای فکری هسته‌های «اسلام‌گرا»، آرایش نظامی نیروهای مبارز را در جهت بازسازی و بازخوانی تفکر «انقلاب دینی» تغییر داد. در حالی که برخی از سیاست‌بازان برآند تا روی آوردن به مبارزه اسلامی را با «بنیادگرایی و اصول‌گرایی اسلام» توجیه نمایند؛ کالبد شکافی دقیق و کامل انقلاب‌های معاصر، به ویژه حرکت‌های اسلامی نشان می‌دهد که عمده حرکت‌های فکری و سیاسی طی چند دهه اخیر به طور مستقیم یا غیر مستقیم، از این جهان‌بینی عاشورایی حضرت روح الله که «سیدالشهداء به همه اموخت در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد»،^{۱۳} متأثر بوده است. همچنان که رجب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، ایستادگی در برابر ظالم و یاری کردن مظلومان را، میراث شهدای کربلا و الهام‌بخش حرکت‌های سیاسی اجتماعی ترکیه می‌داند.^{۱۴}

اما آنچه که از میان بیانیه‌ها و سخنان رهبران مکاتب و نحله‌های سیاسی جهان عرب و غیر عرب برجسته می‌نماید، آن است که برترین گزاره نهضت حسینی (ع) که ملهم از انقلاب ایران، الگوی عینی و عملیاتی جنبش‌های مبارز قرار گرفته، بازپوری فرهنگ «جهاد» به عنوان فریضه دینی و سمبل حرکت‌های انقلابی بوده است.

سنت امر به معروف و نهی از منکر، شکست‌ناپذیری، تحویل روحی و به ویژه بازیابی نقطه استراتژیک مبارزاتی تشیع، آموزه «جهاد و شهادت»؛ از کارویژه‌های نهضت حسینی در جریان حرکت انقلاب اسلامی بوده است.

امام (ره) با رهیابی از پیام اصلی حماسه عاشورا - قیام بر ضد حکومت‌های باطل و دست‌نشانده - در حرکت انقلابی خویش، با بازسازی فرهنگ «جهاد» در میان ملتی که از اجرای سیاست‌های «مذهب‌گریز» خاندان پهلوی و حاکمیت نمودهای فرهنگ غربی در جامعه به ستوه آمده بودند، بزرگ‌ترین حرکت جهادی معاصر را سازماندهی و هدایت کرد تا سنگ بنای حرکت‌های جهادی ناب و نهضت‌های آزادی‌بخش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را بنیان نهد.

ترویج روحیه «شهادت‌طلبی عاشورایی» و بازتاب آن در جبهه‌های جنگ علیه تجاوزگران خارجی، همزمان با طرح گفتمان «جهادی» انقلاب امام روح الله در براندازی سلطه مطلق‌العنان نظام‌های «ظلم‌محور»، به بازتولید انقلابی حماسی انجامید که با در هم کوبیدن قوانین از پیش تعیین شده جهان قدرت، رشته فزون‌خواهی نامشروع و دست‌اندازی سردمداران غرب و شرق را در ملل جهان سوم از هم گسیخت.

تحت تأثیر همین رهیافت‌های «انقلاب عاشورایی» بود که «مهاتما گاندی» رهبر استقلال‌طلب هند، به این حقیقت رهنمون شد که «اگر هندوستان بخواد یک کشور پیر و زگرده، بایستی از سر مشق امام حسین (ع) پیروی کند».^{۱۵} تاریخ به یاد دارد این سخن گاندی را خطاب به یارانش که «ای ملت هند! من هیچ گونه الگو و روشی از هیچ کس در دنیا برای شکست استعمار پیر برنگزیدم؛ مگر از حسین شیعیه».

انقلاب اسلامی ایران با کارآمد کردن جنبه‌های بالقوه سیاسی حماسه‌ی بدیل عاشورا و انسجام‌ساختار مبارزاتی شیعه، توجه نهضت‌های رهایی‌بخش و به ویژه جنبش‌های حق‌طلب مناطق آسیا و آفریقا را به یاد تئولوژی اسلامی انقلاب ایران معطوف ساخت و با صدور انقلاب حسینی، توازن و ثبات امنیتی زنجیره

**رجب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه،
ایستادگی در برابر ظالم و یاری کردن
مظلومان را، میراث شهدای کربلا
و الهام‌بخش حرکت‌های سیاسی
اجتماعی ترکیه می‌داند.**





نهضت «حزب الله» لبنان به علت داشتن علقه مذهبی و سیاسی با انقلاب اسلامی ایران، پویاترین و پایدارترین نظام حرکت‌های جهادی را با تکیه بر روحیه جهادی و به ویژه تاسی از قیام سیدالشهداء (ع) سازماندهی کرده است.

واقعیت، فاجعه غزه را تکرار واقعه کربلا نامیده است. ضرورت پرداخت به «فرهنگ عاشورا» و بازیابی آن در مبارزات سیاسی فلسطین، پیش‌تر در سال‌های انتفاضه اول (۱۹۹۳ - ۱۹۸۷) از سوی «دکتر فتحی شقاقی»، بنیان‌گذار جنبش جهاد اسلامی دریافت شده بود. او بر این باور بود که تنها راه آزادی فلسطین را باید در اقتدا به آرمان‌های کربلایی یافت. از این رو به «رمضان عبدالله» (جانشین) خود توصیه می‌کند تا علاوه بر کارآمد کردن آموزه‌های عاشورایی در معادلات سیاسی، مطالعه تاریخ کربلا را تا زمانی که کربلایی شود، پی گیرد.

بی‌شک آنچه که این مقاومت‌های جهادی را تداوم می‌بخشد، رهگیری جریان‌های فکری و سیاسی جهان اسلام از رهیافت‌های حماسه حسینی است که مقاومت را به فرهنگی شکست‌ناپذیر در جهت تجدید و تداوم اسلام ناب محمدی (ص) و اصلاح و تغییر جامعه بدل کرده است که این «تغییر»ها و همواره «شدن»ها، بر همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل تطبیق است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران، به نقل از فراتی، عبدالوهاب، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی؛ ص ۱۸۵.
۲. فراتی، عبدالوهاب؛ انقلاب اسلامی و بازتاب آن؛ ص ۳۰.
۳. حکیمی، محمود؛ انعکاس انقلاب اسلامی ایران در مطبوعات جهان؛ ص ۴۷.
۴. صحیفه نور؛ ج ۱۶، ص ۱۷۹.
۵. همان؛ ج ۹، ص ۲۰۲.
۶. به نقل از پیام انقلاب، ماهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۸۷، ص ۲۹.
۷. صحیفه نور؛ ج ۱۸، ص ۱۲.
۸. محدثی، جواد؛ فرهنگ عاشورا؛ ص ۲۷۹.
۹. جمعی از نویسندگان؛ فرهنگ عاشورایی؛ ج ۸، ص ۴۵.
۱۰. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ انقلاب اسلامی و توطئه؛ ص ۷۳.
۱۱. محمدی، منوچهر؛ تحلیلی بر انقلاب اسلامی؛ ص ۱۶.
۱۲. صحیفه نور؛ ج ۴، ص ۴۲.
۱۳. پیام رجب طیب اردوغان، یازدهم محرم ۱۴۲۸.
۱۴. جمعی از نویسندگان؛ انقلابی متمایز: جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران؛ ص ۳۶۶.
۱۵. کاظمی کرهودی، حسین؛ حمایت از انتفاضه فلسطین چرا؟؛ ص ۵۵.

سخن‌گوی جنبش جهاد اسلامی فلسطین، در دیدار با امام (ره) اذعان می‌کند: «با ظهور انقلاب شما، ملت مسلمان و بزرگ ما فهمید که راهش، راه جهاد و مبارزه است»^{۱۴}.
شیخ اسعد تمیمی، از رهبران فلسطین نیز، بازگشت «اسلام» و «جهاد» را به جهان اسلام و به ویژه فلسطین؛ از رهاوردهای معنوی انقلاب اسلامی برمی‌شمارد.^{۱۵}

نگرش در مؤلفه‌های انقلاب جهادی و بازیابی آن در ماهیت خیزش‌های اسلامی که پس از انقلاب ایران نضج گرفته است، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که از میان جنبش‌های آزادی‌خواه، نهضت «حزب الله» لبنان به علت داشتن علقه مذهبی و سیاسی با انقلاب اسلامی ایران، پویاترین و پایدارترین نظام حرکت‌های جهادی را با تکیه بر روحیه جهادی و به ویژه تاسی از قیام سیدالشهداء (ع) سازماندهی کرده است.

بنا به گفته دبیر کل جنبش حزب الله، فررو ریختن افسانه «شکست‌ناپذیری» ارتش تابن دندان مسلح اسرائیل در تقابل با دستان خالی رزمندگان «مقاومت»، به انتقام شکست جنگ «خوشه‌های خشم» و کشتار «صبرا و شتیلا» و به آتش کشاندن تیر رژیم صهیونیستی در ایجاد «خاورمیانه جدید» و سیطره کامل بر منطقه؛ برآیند انکال به شعار «هیئات منّا الذله» امام حسین (ع) بوده است. همان راز آشکاری که «حزب الله» و رهبر غیورش را به الگوی اسطوره‌ای و سازش‌ناپذیر جهان عرب و خواری در چشم‌ان رزیم‌های سازش‌کار عربی و پرچم‌داران اسلام امریکایی و آل سعود تبدیل کرده است. بازگشت هسته‌های مقاومت به دو عنصر «جهاد اسلامی» و «شهادت‌طلبی»، در فرهنگ مبارزاتی که زائیده تفکرات سیاسی حزب‌الله در پیوند با افق عظیم اندیشه‌های سیاسی امام (ره) و تفسیر ایشان از «حرکت انقلابی» با عقبه فکری و تاریخی «نهضت عاشورا» ترسیم شده، روح غیرت دینی و جهاد مقدس را به گروه‌های مبارز فلسطینی بازگردانده است. جنبش مردمی «حماس» با جهت‌گیری از مقاومت حزب‌الله و انقلاب اسلامی ایران، در نبرد نامتوازن و ناهمگون ۲۲ روزه، سازش‌ناپذیری با ظلم را با بهره‌گیری از شعار تاریخی «هیئات منّا الذله» امام (ع) به نمایش گذارد. «عبدالله گل»، رئیس جمهور ترکیه، با اشاره به این

